

سفالگری در مند گناباد

فاطمه محجوبی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۹

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۰/۲۷

چکیده

سفالگری در گناباد که حداقل پیشینه‌ای سه هزارساله دارد، با مراکز هم‌عصر خود از شیوه‌ای یکسان پیروی می‌کرد. سفال مند با مصالح و تزئینات متفاوت، به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور از اواخر قرن یازدهم هجری در مند رایج شد. این سفال که با سفال میبد یزد و شهررضای اصفهان شباهت زیادی دارد، در طول زمان از محیط نیز تأثیر پذیرفته است. سفال مند به‌دلیل داشتن نقش‌مایه‌های سنتی و رنگ‌های گرم و شاد، همواره جذاب و در مجامع هنری مطرح است. هدف مقاله حاضر، بررسی سفالگری در مند گناباد است. در این پژوهش، مواد اولیه و تکنیک سفالگری مند، چگونگی رنگ و لعاب‌کاری سفال‌های مند و نقوش به‌کاررفته در آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

این مقاله از نوع توصیفی است و اطلاعات آن را با روش میدانی (عکس، گزارش و مصاحبه) و کتابخانه‌ای (یادداشت‌نویسی و گردآوری اطلاعات از منابع) جمع‌آوری کردیم. همچنین، از پژوهش‌های باستان‌شناسی، اطلاعات تاریخی، جمع‌بندی‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و تحلیل‌های به‌دست‌آمده استفاده کردیم. بخش‌های اصلی مقاله شامل طرز تهیه مواد سفال، نقوش و لعاب است. مهم‌ترین ویژگی سفال مند عناصر تزئینی برگرفته از طبیعت است که در چهار گروه انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی جای می‌گیرند و نشان‌دهنده آیین‌ها و باورهای کهن ایرانی در خاستگاه آن نگاره‌ها هستند.

واژگان کلیدی: سفال، سفالگری، گناباد، مند.

مقدمه

سفال یکی از کهن‌ترین ساخته‌های دست بشر است که از قدیم‌ترین ایام تا اکنون به کار می‌رود. نقش و اهمیت سفال بر هیچ کس پوشیده نیست. با اینکه امروزه سفالگری و کارگاه‌های این هنر مردمی در غبار زمان و زندگی صنعتی رنگ باخته‌اند، همواره سفال اهمیت علمی و تاریخی و تحولاتی را که نشانه رشد و شکوفایی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف است، خواهد داشت.

سفالگری هنری قدیمی و جهانی است که می‌گویند ملت‌های کشاورز آن را ابداع کرده‌اند (زمانی، ۱۳۵۱: ۱). سفال‌ها ابتدا ساده بودند و با دست ساخته می‌شدند؛ اما کم‌کم با اختراع چرخ سفالگری و پخت سفال در کوره، هنر سفالگری پیشرفت کرد. ظروف سفالی منقوش موجود در ایران نشان می‌دهند که مردم در دوره پیش از تاریخ ایران نیز به این هنر توجه می‌کردند. فن لعاب دادن سفال‌ها نیز که به حدود سه‌هزارسال قبل از میلاد منسوب شده و احتمالاً از بین‌النهرین به ایران رسیده، باعث شکوفایی بیشتر این هنر شده است. در دوران هخامنشی و ساسانی، به دلیل استفاده بیشتر از ظروف زرین و سیمین، سفال‌سازی در ایران تقریباً منسوخ و در دوره اسلامی، از نو رایج شد و بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. با گذشت زمان و گسترش زندگی، سفالگری هم تکامل یافت. هنرمندان سفالگر بر ظرف‌های گلی نقش‌ونگار کشیدند و آن‌ها را با رنگ‌های گوناگونی آراستند.

اکنون در بیشتر نقاط ایران، از جمله لالچین همدان، میبد یزد، شهرری اصفهان، زوز آذربایجان، کلپورگان سیستان و بلوچستان، جویبار مازندران، سیاهکل گیلان و مند گناباد، ظروف سفالی تهیه می‌شود. در این مقاله، سفال مند گناباد را بررسی می‌کنیم. از اوایل قرن ۱۲ ه.ق، نوعی سفال جدید با ویژگی‌های خاص در گناباد ظاهر شد که در

کارگاه‌های متعدد روستای مند ساخته می‌شود.

سفال مند گناباد از خاص‌ترین سفالینه‌های کشور است که اصالت فرهنگی و تمدن کهن خراسان را نشان می‌دهد؛ با این حال، نام این سفال به دلیل مشکلات مربوط به سفالگران و بی‌توجهی به جایگاه این هنر ارزشمند، در فهرست رشته‌های در معرض خطر منسوخ شدن قرار گرفته است. تاکنون، کتابی درمورد سفال مند نوشته نشده و فقط تعداد اندکی مقاله منتشر شده است. دلیل اصلی انتخاب موضوع این مقاله نیز نقش و اهمیت سفال مند و توجه کردن به آن به‌عنوان ارزش هنری است. هدف مقاله حاضر بررسی سفالگری در مند گناباد و پاسخ دادن به سؤالات زیر است:

۱. از چه مواد اولیه و تکنیکی در سفالگری مند استفاده می‌شود؟
 ۲. رنگ و لعاب‌کاری در سفالگری مند چگونه است؟
 ۳. نقوش به‌کاررفته در سفال‌های مند چگونه هستند؟
- این مقاله که به روش میدانی (عکس، گزارش و مصاحبه) و کتابخانه‌ای (یادداشت‌نویسی و گردآوری اطلاعات از منابع مختلف) نگارش یافته، ترکیبی از پژوهش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده، اطلاعات تاریخی و جمع‌بندی‌ها و نتیجه‌گیری‌های نویسنده است.

سفال ایران

سفال یکی از مهم‌ترین ساخته‌های هنری بشر است که ساخت آن در دوره‌های مختلف سابقه‌ای طولانی دارد. سفالگری فرهنگ، مذهب، تفکر و هنر ملت‌ها را نشان می‌دهد؛ درحالی که آثار هنری دیگر، مانند نساجی و فلزکاری، به دلیل فاسد شدن یا استفاده مجدد این امکان را ندارند. در سرزمین ایران نیز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، سفالینه‌های

آشنایی با سفال‌سازی خاور دور و چین، تغییراتی در هنر خود ایجاد نمودند. ابداعات انجام‌شده توسط سفالگران درزمینه نقش‌اندازی روی لعاب، میناکاری روی لعاب، لعاب متالیک (لعاب‌کاری فلز آذین) و استفاده از لعاب‌های لاجورد و قلع، نشانه پیشرفت و توانایی آن‌ها است. به تدریج مراکز سفالگری متعددی در بیشتر شهرهای ایران و سفالینه‌های گوناگونی با سبک خاص در هر دوره ساخته شد که سفالینه‌های مند گناباد در دوره قاجار از مشهورترین آن‌ها به‌شمار می‌رود.

روستای مند گناباد

روستای مند تنها مرکز سفالگری شرق ایران است که در سه کیلومتری شمال گناباد قرار دارد و دارای حدود هزار نفر جمعیت است. اهالی این روستا علاوه بر انجام کار کشاورزی، درزمینه آجرپزی، سفالگری و کاشی‌سازی نیز فعالیت می‌کنند. مند پیش از این بسیار بزرگ‌تر بود و حدود ۲۸۰ سال قبل، آبادی فعلی به‌وجود آمد. گفتنی است که در آن زمان هم در این منطقه سفال‌سازی انجام می‌شد.

سفال مند

قدمت سفالینه‌های مند به هزاره سوم ق.م می‌رسد و تا اوایل قرن دوازدهم، وجه تسمیه مشخصی برای آن‌ها وجود ندارد؛ ولی از اوایل این قرن، نوعی سفال جدید با ویژگی‌های خاص در گناباد به‌وجود آمد که به سفال بدل چینی معروف است. سفال‌های مند گناباد از لحاظ نقوش به سفال‌های میبد یزد و از نظر مواد و ترکیبات به سفال‌های شهر رضای اصفهان شباهت بسیار دارند؛ به‌طوری که تشخیص آن‌ها از یکدیگر بسیار دشوار است.

مواد اولیه سفال

سفالگری در مند گناباد به دو صورت سفال رسی

ارزشمندی به‌دست آمده که قدمت کهن‌ترین آن‌ها که در گنج‌دره استان کرمانشاه کشف شده‌اند، به هزاره هشتم ق.م می‌رسد. بعد از سفالینه‌های گنج‌دره، سفالینه‌های سیلک و شوش قدیمی‌ترین آثار سفالی کشف‌شده در ایران به‌شمار می‌روند که قدمتی چهار تا شش هزارسال دارند. سفال‌های این دوره به‌دلیل دست‌ساز بودن تقارن ندارند، به‌دلیل کنترل نشدن دمای کوره کاملاً یک‌رنگ نیستند و به‌دلیل دمای پخت کم مغزشان خاکستری مایل به سیاه باقی مانده است. نقوش سفالینه‌های این دوره هندسی هستند و به‌رنگ قرمز روی بدنه سفال‌ها نقش شده‌اند. در هزاره چهارم ق.م، با اختراع چرخ سفالگری تحول عظیمی در این هنر رخ داد. سفال‌ها دارای تقارن و شکل‌ها و تزئینات روی آن‌ها متنوع شدند. تپه قبرستان دشت قزوین از مهم‌ترین مناطق سفالگری با چرخ است و آثار کشف‌شده در این منطقه شباهت زیادی با آثار سفالین تپه‌حصار دامغان و تپه‌سیلک کاشان دارند (کیانی، ۱۳۵۷: ۳). در هزاره دوم ق.م، در استفاده از رنگ ظروف تنوع بیشتری ایجاد شد و ساخت سفال‌هایی به‌شکل انسان و حیوان که کارکردی مذهبی داشتند، رواج یافت. در دوره مادها، به استفاده از لعاب توجه شد؛ به‌طوری که در عصر هخامنشی، از لعاب برای پوشش ظروف و آجر استفاده شد و آجرهای لعاب‌دیده با نقوش انسانی و حیوانی مختلف برای تزئین دیوار کاخ‌ها به‌کار رفتند. از دوره ساسانی به بعد، به‌دلیل رشد چشمگیر فلزکاری و همپای آن مرصع‌کاری، از رواج سفالگری کاسته شد و در دوره اسلامی، دوباره این هنر رواج یافت. تنها ویژگی مهم سفال در این دوره استفاده از لعاب قلیایی روی ظروف است.

با سلطه ارتش اسلام و منع استفاده از ظروف زرین، سفالگری که در ادواری درحال نابودی بود، دوباره قوت گرفت. سفالگران که از سبک و سنت‌های هنری قبل از اسلام پیروی می‌کردند، کم‌کم با

و سفال بدل چینی انجام می‌شود که از لحاظ مواد تشکیل‌دهنده و تهیه و آماده‌سازی با هم تفاوت دارند.

سفال بدل چینی

بدل چینی نوعی سفال با گل سفید است که چینی‌سازها در گذشته برای ساخت ظروف بدل چینی از آن استفاده می‌کردند. مواد اولیه این نوع سفال‌ها سیلیس یا سنگ چخماق، بنتونیت یا گل سرشور و کالن است. سنگ چخماق و کالن از معادن اطراف گناباد به‌دست می‌آیند. پس از تهیه سنگ چخماق، آن را با پتک می‌کوبند تا به اندازه‌های کوچک و به اصطلاح کشمش‌نخودی تبدیل شود. سپس خورده‌سنگ‌ها را با آب در سوراخ وسط دستاس (آسیاب دستی بزرگ با سنگ‌های سخت گرانیتی به‌نام ترس که ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلو وزن دارند) می‌ریزند و با دست می‌چرخانند تا پودر شود (محبوبی، ۱۳۹۱ الف).

در مرحله بعد، پودرها را در مخزنی جمع و با آب مخلوط می‌کنند و دوغاب حاصل را به حال خود می‌گذارند تا آب آن تبخیر شود. سپس گل سفت‌شده را چونه می‌کنند و بعد از خشک شدن آن را می‌کوبند و الک می‌کنند. پودر به‌دست‌آمده را به اندازه ۲۰ درصد با گل سرشور مخلوط می‌کنند (خانیکی، ۱۳۷۵: ۵۰). گل سرشور را برای چسبندگی بهتر گل استفاده می‌کنند. در بعضی موارد نیز برای لعاب‌پذیری مرغوب‌تر، چسبندگی بیشتر و جلوگیری از ترک خوردن گل، از ماسه یا ذرات کاه و علوفه به میزان ۵ تا ۱۰ درصد استفاده می‌کنند. در حال حاضر، این روش به‌دلیل سختی کار منقرض شده است (محبوبی، ۱۳۹۱ الف).

سفال رسی

این نوع سفال قرمز است و قدمتی کمتر از سفال بدل چینی دارد. ماده اولیه این سفال خاک رس است که

از رسوبات سیلاب‌ها و بندسارها یا به‌صورت معدنی تهیه می‌شود. خاک‌های جمع‌شده حاصل از باران در بندها و بندسارها به‌ترتیب از ریگ، ماسه، ماسه نرم، خاک رس درشت، خاک رس نرم و خاک رس نرم‌تر تشکیل شده است. خاک‌های رس معدنی نیز از منطقه‌ای به‌نام کوثر به‌دست می‌آیند. این خاک‌ها درمقایسه با خاک بندها چسبندگی کمتری دارند. برای چسبندگی بیشتر ذرات خاک از موادی مانند شن، ماسه، کاه، شاموت (پودر سفال پخته‌شده) و ... استفاده می‌شود (محبوبی، ۱۳۹۱ الف).

ابزارها

چرخ

چرخ برای سرعت بخشیدن به کار سفالگری به‌کار می‌رود. برای ساخت چرخ، ابتدا محفظه‌ای به نام کارگاه لازم است. کارگاه همانند یک میز و صندلی برای سفالگری است. ساختمان آن از آجر است و میله‌ای چوبی برای استقرار صفحه در وسط آن قرار می‌گیرد. بالای کارگاه نیز صفحه‌ای چوبی قرار دارد که با نیروی پا حرکت می‌کند. از این چرخ که به چرخ پایه معروف است اکنون استفاده نمی‌شود و به‌جای آن از چرخ‌های برقی استفاده می‌شود که کارکردی مشابه دارند.

ابزار دستی برای ساخت

این ابزار مثل رنده و ماله برای صاف کردن درون و بیرون ظرف به‌کار می‌رود.

بونه (بونک)

بونه قطعه مدور سفالی برای انتقال سفال است.

دستگاه گل‌ساز

در سال‌های اخیر، سفالگران از دستگاه گل‌ساز استفاده می‌کنند.

چرخ‌دنده

چرخ‌دنده برای بافت‌دار کردن داخل کشک‌ساب‌ها به‌کار می‌رود.

انواع ظروف

ظروف سفالی مند در انواع و اندازه‌های گوناگون زیر ساخته می‌شوند:

ظروف تزئینی

ابریق و ریتون، پیه‌سوز، عودسوز، مجسمه گنجشک و کبوتر که بدنه سفید یا بدل چینی هستند.

سه پایه

سه‌پایه برای جداسازی ظروف در کوره به‌کار می‌رود (شیخی و آشوری، ۱۳۸۷: ۴۴).

ظروف کاربردی

قاب و قدح، کاسه و بشقاب، کشک‌ساب، ظروف ماست‌خوری (ده‌تایی)، پیاله ماست‌بندی، تگار و تگارچه، کاسه آبگوشت‌خوری (شش‌تایی)، کاسه کوچک‌تر از آبگوشت‌خوری (هشت‌تایی یا پنج‌سیری)، دوری، پارچ و لیوان، فنجان و گلدان (شیخی و آشوری، ۱۳۸۷: ۴۹).

گاهی روی این ظروف سفالی مدور، برحسب نیاز پایه، دسته یا لوله نصب می‌شود که برای انجام این کار باید سفال در حالت نیمه‌خشک و چرمینه باشد.

لعاب کاری

لعاب به‌عنوان پوششی برای زیباسازی سفال به‌کار می‌رود و قدمت آن به ۱۵۰۰ سال قبل برمی‌گردد. مواد اصلی تشکیل‌دهنده لعاب در مند کائولن، آلومینیوم، سیلیس (از شیشه خورده شده تهیه می‌شود) و مواد قلیایی است که به‌عنوان گداز‌آور در لعاب به‌کار می‌رود. لعاب کاری در مند به دو دسته زیر تقسیم می‌شود:

لعاب سفید اپک

در این روش، لایه‌ای از کائولن که پوشش سفید نازکی است، روی بدنه سفال کشیده می‌شود که این کار به لایه کاری معروف است. این لایه اندودی روی بدنه سفال است. برای یکنواخت شدن سطح ظروف لایه کاری شده، باید به‌اندازه معین از کائولن استفاده شود. مقدار استفاده زیاد از کائولن به‌عنوان لایه باعث

کوره

کوره ابزاری است که برای پخت سفال به‌کار می‌رود. سفال‌ها را پس از آماده‌سازی، در کوره‌های سنتی آجری می‌گذارند تا با گرمای ۹۰۰ تا ۹۵۰ درجه سانتی‌گراد بپزند. کوره‌ها گازی هستند و آتشی در پایین دارند. در این کوره‌ها، جهت شعله آتش از کف به بالا است و دودکش‌هایی با نسبت‌های مساوی برای کشیدن و خارج کردن دود حاصل از سوخت در پایین کوره‌ها قرار گرفته‌اند. اگر فاصله این دودکش‌ها تغییر کند، سفال‌های یک طرف کوره خوب نمی‌پزند. بلندی این کوره‌ها حدود ۱/۵ تا ۲ متر است و روی دیواره داخلی کوره ردیف‌هایی از گل برای قرار دادن ظروف تعبیه شده است (محبوبی، ۱۳۹۱ الف).

ساخت ظروف

ظروف سفالی در مند به دو شکل چرخ‌ساز و دست‌ساز (سفال دستی) ساخته می‌شوند. سفال‌های دستی که سابقه‌ای طولانی دارند، به‌صورت قالب‌گیری از گلدان، ققممه و ... با نقوش برجسته روی بدنه، ظرف‌هایی به‌شکل پرنده و جانوران و یا ظرف‌ها و حجم‌هایی به‌شکل مکعب و مکعب‌مستطیل ساخته می‌شوند (خانیکی، ۱۳۷۵: ۵۰). ظروف سفالی ساخته‌شده با چرخ بیشترین ساخته‌های سفالی را تشکیل می‌دهند. ساخت این ظروف آسان‌تر است و به‌دلیل کاربردی بودن بازار خوبی دارند.

می‌شود که لایه به‌خوبی روی بدنه سفالی ننشیند و هنگام پخت شره کند یا به‌اصطلاح برگردد و استفاده کم از آن نیز باعث بی‌رنگ ماندن و سفید نشدن زمینه سفال می‌شود.

این لایه زمینه‌ای برای نقاشی است و پس از نقش‌اندازی، لعاب شیشه‌ای سنتی برای حفاظت و تثبیت سطح لایه‌کاری‌شده و نقوش، روی آن را می‌گیرد.

پس از پخت سفال لایه‌کاری‌شده در دمای ۸۵۰ تا ۹۰۰ درجه سانتی‌گراد، نقوش آن که زیر لعاب سنتی پنهان هستند، نمایان می‌شوند. این روش که برای سفال‌های جسمی به‌کار می‌رود، به لعاب زیررنگی معروف است و به دو صورت زیر انجام می‌شود (محبوبی، ۱۳۹۱ الف و ۱۳۹۱ ب):

۱. سنگی چینی را که به سنگ سفید معروف است، از معدن گیسور در ۷۰ کیلومتری گناباد تهیه و پس از کوبیدن، آن را به‌نسبت یک به ده با گل سرشور مخلوط و الک می‌کنند.

۲. کائولن یا خاک چینی را از معدن چاهک در ۱۰ کیلومتری گناباد تهیه و آن را به‌نسبت یک به شش با گل گیوه که خاک سفیدرنگی است مخلوط و الک می‌کنند (گفتنی است که بهترین معدن کائولن آسیا، به‌نام معدن باغ آسیا، در گناباد است). مواد و پودرهای به‌دست‌آمده را با آب مخلوط می‌کنند تا دوغاب به‌دست آید و سپس سفال خشک‌شده را وارونه در داخل دوغاب غوطه‌ور می‌کنند (خانگی، ۱۳۷۵: ۶۸).

لعاب ساده شیشه‌ای

برای ساخت لعاب شیشه‌ای که به لعاب مادر معروف است، گیاهانی مانند اجوه، مارچوره و تاغ را از جنگل میرک و محلی دیگر به نام مون دهی و حوالی کال‌شور تهیه می‌کنند. گیاهان جمع‌آوری‌شده را در گودالی نیم‌متری آتش می‌زنند؛ به‌طوری که

آهسته و آرام بسوزند. به خاکستر این گیاهان که مانند قیر سیاه است، شگار می‌گویند. سفالگر ۱۰۰ کیلو شگار را با ۱۰۰ کیلو سنگ چخماق نرم مخلوط و در کوره ذوب می‌کند و آنقدر با دیسک به‌هم می‌زند تا برشته شود. سپس مخلوط را به‌مدت ۱۰ شبانه‌روز برای ذوب شدن در کوره دوم قرار می‌دهد که حرارت زیادی دارد. مخلوط را پس از ذوب شدن روی صفحه‌ای پهن و به‌صورت تخته درمی‌آورد که به آن «رنگ» می‌گویند. این رنگ پس از خشک شدن ذخیره می‌شود و هر وقت لازم باشد، مقداری از آن جدا و آسیاب می‌شود و به‌عنوان لعاب به‌کار می‌رود (همان، ۶۹). برای رنگی کردن لعاب شیشه‌ای می‌توان مقداری از اکسیدهای رنگی متفاوت به آن اضافه کرد که برای نقاشی روی سفال یا به‌عنوان پوششی یکدست روی بدنه سفال به‌کار می‌رود. در قدیم، خود سفالگران بیشتر لعاب‌ها را به‌صورت معدنی و سنتی از اکسیدهای فلزی تهیه می‌کردند. بعضی از لعاب‌ها نیز وارداتی بودند؛ مانند لاجورد که از کاشان به‌مند می‌آوردند. اکسیدهای رنگی معدنی که در سفالگری مند به‌کار می‌روند عبارت‌اند از: اکسید مس برای به‌دست آوردن رنگ سبز، اکسید کروم برای ایجاد رنگ سبز، اکسید مغن یا منگنز برای تولید رنگ مشکی، اکسید آهن یا براده آهن برای ایجاد رنگ قهوه‌ای و اکسید طلا برای تولید رنگ زرد یا طلایی (اکسید طلا از سوختن و ساییدن ذرات طلا به‌دست می‌آید). برای ایجاد لعاب یکدست و یکپارچه روی ظروف از دو شیوه استفاده می‌کنند؛ یا ظروف سفالی را در ظرف بزرگی از لعاب غوطه‌ور می‌کنند که تمام سطح داخلی و خارجی سفال را لعاب می‌گیرد یا لعاب آماده‌شده را درون ظروف می‌ریزند و با به حرکت درآوردن ظروف تمام سطح داخلی ظرف را لعاب می‌زنند. اکنون به‌دلیل زحمت زیاد و به‌صرفه نبودن، لعاب سنتی به‌کار نمی‌رود و به‌جای آن از لعاب‌های ترک و اپک با اکسیدهای

گذشته، سفالگر جوهره نقاشی را می‌ساخت. لعاب پس از کشف شدن، به‌عنوان لایه‌ای برای تثبیت و حفاظت جوهره نقاشی به‌کار رفت. سفالگران مند برای نقش‌اندازی، نقش را ذهنی و بدون پیش‌طرح روی بدنه سفالی رسی یا بدنه لایه‌کاری‌شده منتقل می‌کنند. آن‌ها نقوش را با استفاده از خطوطی به رنگ مشکی که از سنگ منگنز به‌دست می‌آید و قلم‌مویی دست‌ساز از یال الاغ، روی بدنه ظروف می‌کشند (محبوبی، ۱۳۹۱ الف و ۱۳۹۱ ب).



تصویر ۱: نقاشی (www.gonabadnews.com)

دسته‌بندی نقوش

نقوش به‌کاررفته انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی هستند. نقش انسانی معمولاً به‌صورت زنی است در چهره خورشید که خطوطی مانند شعاع‌های خورشید دورتادور آن را گرفته‌اند. این نقش از نقوش مهم سفال مند است و بیشتر در وسط ظروف به‌کار می‌رود.

نقوش حیوانی در قالب مرغ، ماهی، پروانه و ... هستند. این نقوش با رنگ‌هایی مثل زرد و قرمز کشیده شده‌اند. بیشتر تزئینات دیده‌شده روی ظروف مند از نقوش گیاهی و شامل گل و بوته، گل و برگ، گل گرد، گنجی، بته‌جقه و اسلیمی هستند. نقوشی مانند خونه‌کشی، محرمات، کتیبه‌ای و ... از نقوش هندسی به‌شمار می‌روند. بیشتر این نقوش در حاشیه

رنگی آماده استفاده می‌کنند (محبوبی، ۱۳۹۱ الف و ۱۳۹۱ ب). امروزه، رنگ‌های به‌کاررفته در لعاب‌های سفال مند در دو تکنیک زیرلعابی و رولعابی، به‌دلیل فریتی و صنعتی بودن کیفیت مناسبی ندارند. به‌گفته آقای ترابی، سفالگر و کارمند اداره میراث گناباد، اکسید سرب به‌دلیل سمی بودن هرگز در لعاب‌زنی سفال‌ها به‌کار نمی‌رود؛ اما در مقاله مجید لباف خانیکی با‌عنوان «هنر سفالگری مند گناباد»، اکسیدهای آماده برای همه رنگ‌های به‌کاررفته در لعاب عبارت‌اند از:

لعاب بی‌رنگ و شیشه‌ای: اکسید سرب و سیلیس؛
لعاب بی‌رنگ و متمایل به دودی: اکسید سرب، سیلیس و باریم؛

لعاب سبز: اکسید سرب، سیلیس و اکسید مس؛
لعاب قهوه‌ای متمایل به بنفش: اکسید سرب، سیلیس و منگنز؛

لعاب خرمایی: اکسید سرب، سیلیس و اکسید آهن؛

لعاب فیروزه‌ای متمایل به سبز: اکسید سرب و سود هیدروکسید سدیم، اکسید بوریک و اکسید مس؛

لعاب آبی پررنگ: اکسید سرب و سود و اکسید بوریک و اکسید کبالت.

نقاشی

نقاشی روی سفال قدمتی طولانی دارد. بعضی از نقوش جنبه مقدس و آیینی دارند و از اعتقادات و باورهای مردم سرچشمه گرفته‌اند. این نقوش به‌صورت طبیعی یا تجریدی زینت‌بخش سفال‌ها شده‌اند. قبل از کشف لعاب، اکسیدهای فلزات مختلف به‌صورت جوهره نقاشی برای نقش‌اندازی روی سفال به‌کار می‌رفتند. جوهره نقاشی نسوز است، از اکسیدهای معدنی به‌دست می‌آید و تا حرارت ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ درجه سانتی‌گراد تغییر رنگ نمی‌دهد. در

نام نقش	نقش	ویژگی	مأخذ
گل و برگ		این نقش در بیشتر ظروف برای تزئین به کار می‌رود و شامل بوته و برگ‌هایی با شاخه‌های پیچیده و سبز است که گل‌هایی قرمز در میانه خود دارند.	امیر نظری
گنجی		این نقش مستطیلی افقی به صورت کتیبه یا قاب است که نقوشی از گل و برگ در میان دارد. از این نقش برای تزئین حاشیه درونی و بیرونی ظروف استفاده می‌شود و معمولاً به رنگ‌های سبز، آبی و زرد است.	اداره میراث گناباد
گل کتبه (گل سرخی)		این نقش در حاشیه درونی ظروف و میان خطوط مدور افقی محصور است. این گل قرمز است و دایره‌ای زرد در وسط خود دارد. اطراف گل با برگ‌های کنگر پوشیده شده است.	نگارنده
خونه‌کشی		این نقش با ایجاد خطوط مشکی عمودی، افقی و مورب ایجاد می‌شود و بیشتر برای پر کردن فضای خالی و تزئین ظرف به کار می‌رود. برای رنگ‌آمیزی این نقش، رنگ‌های صورتی، آبی و ... به کار می‌رود.	نگارنده
گل گرد		گلی قرمز است که دایره‌ای زرد در وسط دارد. این گل که روی اسپیرال‌هایی با برگ‌های سبز قرار گرفته، در بعضی موارد به صورت ساده شده و ابتدایی زینت‌بخش بدنه سفال‌ها است.	اداره میراث گناباد
گل کدو		نام این نقش از گل کدو گرفته شده که گلی وارونه شبیه گل انار است. این گل با رنگ‌های زرد، صورتی، سبز و آبی نقش می‌شود.	امیر نظری
محرمات		نقشی هندسی در حاشیه است که به صورت مثلث‌هایی هفت و هشتی و معمولاً با رنگ‌های سبز، آبی یا قرمز دیده می‌شود.	نگارنده
ترنجی		این نقش به صورت ترنج‌ی ستاره‌ای در وسط ظروف و با رنگ‌هایی با کنتراست بالا دیده می‌شود.	امیر نظری
افندی		این نقش که نام آن از پارچه‌های قدیمی گناباد گرفته شده، شبیه نقوش خونه‌کشی است و با قلم‌گیری سیاه و رنگ‌های شاد همراه است.	نگارنده
پروانه		نقش پروانه معمولاً بر حاشیه ظروف، برای پر کردن فضاهای خالی به کار می‌رود. قرمز و زرد رنگ‌های زینت‌دهنده این نقش به شمار می‌روند.	پژوهشگاه علوم انسانی

هنرمند سفالگر یزدی در این کار از او پیشی گرفته است. نقوش معمولاً با رنگ مشکی روی زمینه‌ای سفید یا آجری براساس سلیقه افراد ترسیم می‌شدند. ظروف براساس اهمیتشان تزئینات متفاوت روی لبه و کف ظروف به خود می‌گیرند و پرنقش یا کم‌نقش می‌شوند. بیشتر تزئینات در کف و لبه ظرف‌ها انجام می‌شوند. لبه ظروف بزرگ با خطوط منحنی افقی و کف آن‌ها با نقوشی مانند گل و مرغ، خورشید خانم یا گل و برگ تزئین و با رنگ‌هایی شاد و با کنتراست

ظروف برای تزئین به کار می‌روند و احتمالاً سفالگران آن‌ها را از نقوش فرش و قالیچه‌های بافته شده در گناباد الهام گرفته‌اند. به کارگیری رنگ‌های شاد و متنوع احتمال درستی این فرض را بیشتر می‌کند. نقوش به کاررفته در سفالینه‌های مند واقعی و دور از جنبه نمادین و سمبلیک هستند؛ اما هنرمند به دلیل سرعت در کار و بی‌توجهی به فرم و ظرافت‌های تصویر، در ترسیم اشکال به صورت واقعی نیز موفق نبوده است. می‌توانیم بگوییم که

بالا رنگ آمیزی می‌شوند. دسته‌ای از نقوش جنبه تزئینی دارند و دسته‌ای احتمالاً جنبه اسطوره‌ای و آیینی. نقوش تزئینی به‌کاررفته عبارت‌اند از: گل و مرغ، گل و برگ، گل کدو، گل گرد، محرمت، گنجی، خونه‌کشی و پروانه که بیشتر برای پر کردن زمینه به‌کار می‌رود.

نقوش تاریخی و اسطوره‌ای

این نقش‌ها که از هنر ایران باستان گرفته شده‌اند، شامل خورشید، ماهی، پرنده و درخت زندگی، سرو یا بته‌جقه هستند. به‌دلیل شباهت زیاد این نقوش به نقوش سفال‌های میبد یزد، می‌توانیم آن‌ها را در فرهنگ زرتشتی و اساطیری بجوییم. ممکن است که نقوش مذکور از یزد به این منطقه وارد شده باشند.

نقش خورشید

نقش خورشید که بین سفالگران مندی به خورشید خانم شهرت دارد، نقش صورت زنی داخل دایره است. خطوط موازی سیاه رنگ که به دایره‌هایی کوچک ختم می‌شوند، به‌عنوان شعاع‌های خورشید دورتادور دایره قرار گرفته‌اند. این خطوط در مجموع

یک شش‌ضلعی را تشکیل می‌دهند. رنگ قالب در این نقش آبی یا لاجوردی است که در گیسوهای خورشید دیده می‌شود و گونه و لب با رنگ نارنجی تزئین شده‌اند. این نقش در وسط ظروفی مثل کاسه و بشقاب به‌کار می‌رود.

در ادبیات فارسی، خورشید منبع پرتوافشانی و مظهر کمال، زیبایی و بلندی است. خورشید نام یکی از ایزدان اهورامزداست که در بخش‌هایی از اوستا از آن سخن گفته شده و به‌عنوان فروغ و روشنایی مهر با صفت تیز اسب معرفی شده است؛ چنان‌که در بندهشن، گل مرو سفید به این ایزد اختصاص دارد. خورشید به‌دلیل داشتن نور، عظمت و فایده همیشه نزد اقوام هند و اروپایی و سامی گرامی بوده و در تاریخ کهن ایران نیز اعتبار و اهمیت خاصی داشته است.

خورشید در منابع کهن، نشانه اقتدار سلطنت و بقای ایران زمین بود و به‌عنوان مظهر مملکت، بالای چادر شاه و حتی روی درفش پادشاهان قرار داشت. از بین بردن پلیدی‌ها یکی از اصلی‌ترین وظایف خورشید به‌شمار می‌رود. در فقه اسلامی هم خورشید در زمره مطهرات و نام نودویکمین سوره



تصویر ۲: نقش خورشید خانم (امیر نظری)

قرآن (الشمس) است.

(۱۳۷۵: ۸۲).



تصویر ۳: نقش ماهی (اداره میراث گناباد)

در ریگ‌ودا به پرستش خورشید میان اقوام هندواروپایی شمالی و پنج خورشید- خدا به شکل انسان اشاره می‌شود (یاحق، ۱۳۶۹: ۸۱). در منطقه کویری مند، به دلیل تابش زیاد خورشید، این نقش بیش از هر چیز توجه هنرمندان را جلب کرده است. این عنصر تزئینی بر کف ظروف نقش بسته است.

نقش ماهی

ماهی از پرکارترین عناصر نقش‌شده در سفال‌های مند است که معمولاً به رنگ‌های قرمز، زرد و آبی نقاشی می‌شود. اطراف ماهی‌ها معمولاً با گیاهانی سبزرنگ پوشیده شده است. ترسیم بعضی ماهی‌ها به صورت یک‌قسمتی و بعضی دیگر به صورت چهارقسمتی است. ماهی‌های یک‌قسمتی با انحنای ملایم و لطیف و ماهی‌های چهارقسمتی به صورت خشک و ایستا ترسیم شده‌اند. فلس‌های ماهی‌ها با خطوط متقاطع شطرنجی نمایان هستند. ماهی به دو صورت عمودی و افقی روی بدنه ظروف نقش می‌بندد. ماهی‌های افقی بیشتر برای ظروفی مثل کاسه، بشقاب و قدح استفاده می‌شوند و ماهی‌های عمودی برای ظروف استوانه‌ای مثل پارچ، لیوان و گلدان. ماهی‌ها گاهی یکی در میان سرشان رو به پایین است که شاید گویای افسانه‌های قدیمی هستند. ماهی نماد حاصلخیزی و باروری، مظهر موجودات آبی، ژرف‌نگری و تیزبینی و نگهبان هوم سپید (مظهر گیاهان و زندگی) است. اهریمن برای تباهی هوم سپید در عمق دریای فراخکرت وزغی را آفرید و اهورامزدا برای بازداشتن آن وزغ، ده ماهی کر را در آنجا آفرید که همیشه پیرامون آن هوم می‌گردند و یکی از آن‌ها همیشه سرش به پایین و در جست‌وجوی وزغ است. بر بدنه برخی ظروف سفالین استوانه‌ای مند، درختی وسط دو ماهی دیده می‌شود و یکی از ماهی‌ها همواره رو به پایین است و به نظر می‌رسد که به دنبال چیزی می‌گردد (لباف خانیکی،

نقش ماهی و درخت زندگی

وسط نقش دو ماهی بر بدنه برخی ظروف استوانه‌ای، درختی دیده می‌شود که با نقش‌های گیاهی دیگر تفاوت چشمگیری دارد. ممکن است که این درخت به دلیل داشتن ویژگی‌های خاص و عناصر متعدد، درخت زندگی باشد و جایگاه اسطوره‌ای یابد. این درخت به صورت گیاهی ترسیم شده که سر از خاک بیرون آورده و دو برگ پهن سوزنی ابتدای ساقه‌اش را پوشانده است. در وسط ساقه، میوه‌ای شبیه میوه درخت کاج وجود دارد که ساقه از میان آن گذشته است. بالای میوه دو برگ متقارن دیده می‌شود و گلی شبیه گل رز در بالای ساقه قرار دارد. در بعضی موارد، بالای گل دو برگ متقارن دیگر است و روی آن پرنده‌ای ترسیم شده که گیاهی را در منقار

دارد. این گیاه که دارای گل و برگ و میوه است، با رنگ‌های متفاوتی نقاشی می‌شود. معمولاً برگ‌ها به رنگ سبزی یا آبی، میوه به رنگ زرد و گل به رنگ قرمز است. این درخت هم در متون و هم در سفال‌های مند، به‌وسیله ماهیان پاس داشته شده است.

هوم سپید یا گوکرن باعث جاودانگی انسان‌ها می‌شود و اکسیر بی‌مرگی را به موجودات عرضه می‌کند. اطراف درخت نیز گیاهان دارویی روپیده‌اند که باعث سلامتی انسان‌ها می‌شوند و احتمالاً به همین دلایل هوم سپید را درخت زندگی نامیده‌اند. هوم سپید در عمق آب‌های دریای فراخکرت است و به‌وسیله این ماهی‌ها از شر وزغی که اهریمن آفریده حفظ می‌شود. یکی از این ماهی‌ها سرش همیشه به‌سوی آن وزغ است. به‌عقیده قدما ایزد هوم در درخت گوکرن است و هوم درختی درمان‌بخش است (همان، ۸۳).

شکل‌هایی متفاوت (کبوتر، بلبل یا گنجشک) بر بدنه ظروف ترسیم می‌شود. جایگاه این نقش بیشتر روی بدنه داخلی یا خارجی ظروفی مثل کاسه و بشقاب است. پرنده‌ها معمولاً با خطوطی سیال، به‌صورت آرام و نشسته میان گل و بوته‌های سبزرنگ دیده می‌شوند. قلم‌گیری این نقش نیز مانند نقوش دیگر مند با رنگ مشکی و رنگ‌آمیزی آن با رنگ‌های متفاوت روشن، مانند آبی، زرد، قرمز و سبز انجام می‌شود.

در اساطیر ایران، پرنده سمبل روح آدمی است. در یکی از قدیمی‌ترین متون روایت شده است که جم را از سخن دروغ خوش آمد، فرهادش در سه نوبت به‌شکل مرغی به پرواز درآمد و از پیش او گریخت. یکی از ده تجسم ایزد بهرام نیز به‌صورت یک پرنده است (همان، ۸۵).

نقش بته‌جقه

بته‌جقه عنصری تزئینی است که در ایران قدمتی پرمایه دارد. این نقش روی آثار هنری کشف‌شده

نقش پرنده

این نقش که از اصلی‌ترین نقوش سفال‌هاست، به



تصویر ۴: نقش ماهی و درخت زندگی (اداره میراث گناباد)



تصویر ۵: نقش پرند (اداره میراث گناباد)

ایران باستان نیز دیده می‌شود و بسیار پرکاربرد است. به بته‌جقه در هنرهای سنتی مانند پارچه‌بافی، قالی‌بافی، نساجی، فلزکاری، سفالگری، کاشی‌سازی و ... همیشه توجه می‌شود. بته‌جقه که معمولاً در حاشیه و وسط ظروف مند نقش می‌بندد، نقش درخت کاج یا سروی خمیده با ساقه‌ای کوتاه است که با رنگ‌های سبز، آبی، قرمز و به‌ندرت زرد نقاشی می‌شود.

آنچه سرو را از عناصر طبیعی دیگر متمایز می‌کند، استواری و مقاومت آن است. این وجه متمایز درخت باعث شده که افسانه‌ها، باورها و آیین‌هایی در مورد درخت از زمان کهن تاکنون به‌وجود آید؛ به‌طوری که در عصر حاضر، ایرانیان به بعضی از درختان پارچه‌های سبز می‌بندند تا خداوند دعای آن‌ها را مستجاب کند. از این اعمال درمی‌یابیم که ایرانیان درخت را مقدس و جزئی از باورهای آسمانی خود می‌پندارند و به وجود ارتباطی ماورایی میان درخت و نیروهای آسمانی باور دارند. زیباسازی و علاقه ایرانیان باستان به درخت تاحدی است که پیامبرشان سروی از بهشت به ارمغان آورد و در کاشمر کاشت. داستان سرو کاشمر و تقدس آن معروف است و در

شاهنامه فردوسی و بسیاری از کتاب‌های تاریخی به آن اشاره شده است. به‌قول دقیقی، این درخت چنان کهن شده بود که کمند بر گردن او نگشتی. در جایی دیگر آمده است که سرو راست‌قامت مانند مورد و هوم مقدس و از دیرباز، علامت خاص ایرانیان بوده است. مطابق روایات ایرانی، زرتشت این درخت را از بهشت آورد و در پیش در آتشکده کاشت. در ایران به این دلیل که مردم درخت را مقدس می‌دانند، از بریدن و قطع کردن این درخت زیبا جلوگیری می‌شود و افسانه‌های جالبی در مورد آن در ادوار تاریخی خلق شده است. این افسانه‌ها کم‌کم جنبه مذهبی و مقدس یافتند و به عقاید مردم وارد شدند. اعتقادات و باورهای ایرانیان، با سبزی، قامت بلند، سرفرازی و سکوت این درخت زیبا گره خورده و به‌صورت نمادین متبلور شده است (کوهزاد، ۱۳۸۹: ۱).

وضعیت امروزی کارگاه‌ها

در مند، یازده کارگاه فعالیت دارند و در هر کارگاه یک یا دو و گاهی سه کوره وجود دارد. گنجایش هر کوره ۳۰۰ تا ۳۵۰ کشک‌ساب، ۸۰۰ کاسه

ایران باستان نیز دیده می‌شود و بسیار پرکاربرد است. به بته‌جقه در هنرهای سنتی مانند پارچه‌بافی، قالی‌بافی، نساجی، فلزکاری، سفالگری، کاشی‌سازی و ... همیشه توجه می‌شود. بته‌جقه که معمولاً در حاشیه و وسط ظروف مند نقش می‌بندد، نقش درخت کاج یا سروی خمیده با ساقه‌ای کوتاه است که با رنگ‌های سبز، آبی، قرمز و به‌ندرت زرد نقاشی می‌شود.

آنچه سرو را از عناصر طبیعی دیگر متمایز می‌کند، استواری و مقاومت آن است. این وجه متمایز درخت باعث شده که افسانه‌ها، باورها و آیین‌هایی در مورد درخت از زمان کهن تاکنون به‌وجود آید؛ به‌طوری که در عصر حاضر، ایرانیان به بعضی از درختان پارچه‌های سبز می‌بندند تا خداوند دعای آن‌ها را مستجاب کند. از این اعمال درمی‌یابیم که ایرانیان درخت را مقدس و جزئی از باورهای آسمانی خود می‌پندارند و به وجود ارتباطی ماورایی میان درخت و نیروهای آسمانی باور دارند. زیباسازی و علاقه ایرانیان باستان به درخت تاحدی است که پیامبرشان سروی از بهشت به ارمغان آورد و در کاشمر کاشت. داستان سرو کاشمر و تقدس آن معروف است و در



تصویر ۶: نقش بته جقه (امیر نظری)

آبگوشت خوری، ۲۰۰ پیاله، ۱۰۰ ظرف ماست خوری و ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سرقلیونی است. در خارج کارگاه‌ها و داخل روستای مند، سه کوره سنتی وجود دارد که بیشتر در تابستان استفاده می‌شوند و گنجایش آن‌ها

نتیجه

مند گناباد از شاخص‌ترین مناطق سفالگری ایران و تنها منطقه سفالگری در شرق کشور است. این سفالینه‌ها نمایانگر اصالت فرهنگی و تمدن کهن مردم خراسان هستند. سفال‌های مند بیشتر با چرخ سفالگری ساخته می‌شوند و به صورت سفال‌های مصرفی هستند. سفال بدل چینی سفال سنتی این منطقه به‌شمار می‌رود و قدمتی بسیار طولانی دارد. در ترکیب ساخت بدنه سفال بدل چینی از موادی مانند کائولن، بنتونیت و سیلیس استفاده می‌شود. این روش به دلیل داشتن زحمت زیاد، دیگر بین سفالگران رواجی ندارد و سفال رسی جایگزین آن شده است. لعاب‌های سنتی این منطقه نیز کیفیتی عالی دارند. روش ساخت این لعاب‌ها سینه‌به‌سینه از پدر به پسر یا از استاد به شاگرد منتقل شده است. کائولن یا آلومینیوم، سیلیس و مواد قلیایی، مواد اصلی لعاب‌ها به‌شمار می‌روند. در گذشته، بیشتر مواد مورد نیاز هنرمند سفالگر به‌طور طبیعی و

نصف گنجایش کوره‌های درون کارگاه‌هاست. به‌طور متوسط در هر کارگاه، سه نفر کار می‌کنند. مصرف تقریبی گل روزانه در هر کارگاه برای ساخت ظروف، به ظرفی بستگی دارد که استادکار تولید می‌کند. در ساخت ظروف ریزوار گل کمتر و در ساخت ظروف درشت‌وار گل بیشتری مصرف می‌شود. تقریباً ۶۰ یا ۷۰ کیلوگرم مصرفی روزانه هر کارگاه است و تقریباً دو تا سه تن گل در سال مصرف می‌شود.

ظروف آشپزخانه، کاسه آبگوشت خوری، لیوان، پیاله و کشک‌ساب بیشتر و ظروف قاب و قح کمتر تولید و فروخته می‌شوند. ظروف تولیدشده بیشتر به شهرهای تربت جام، تایباد، باخرز، خواف، قاینات، بیرجند، سبزوار، کاشمر، نیشابور، خلیل‌آباد، فردوس، سرایان و شهرهای اطراف گناباد صادر می‌شوند. نقش‌های گل و مرغ و خورشید خانم و نقش‌های پرکار بیشتر خریداری

از معادن اطراف گناباد تهیه می‌شد؛ اما اکنون، از لعاب‌های فریتی و آماده در بازار استفاده می‌شود. عدم تطبیق لعاب‌های فریتی با بدنه سفالی و ایجاد ترک در آن‌ها هنگام پخت باعث تنزل چشمگیر این هنر شده است. نقوش به‌کاررفته در تزئین سفال‌های مند شباهت چشمگیری با نقوش سفال‌های میبد یزد دارند. نقوش سفال‌های مند به‌صورت طبیعی کشیده می‌شوند. بعضی از این نقوش جنبه تزئینی دارند و برخی جنبه تقدس و آیینی. برای رنگ‌آمیزی نقوش از رنگ‌هایی شاد با قلمگیری‌های مشکی استفاده

می‌شود که یادآور هنر پارچه‌بافی و گلیم‌بافی در این شهر است. در گذشته، اکسیدهای رنگی مورد نیاز را خود سفالگر تهیه می‌کرد؛ ولی اکنون، اکسیدها وارداتی هستند. به‌طور کلی، این هنر به‌دلیل مشکلات مربوط به سفالگران و بی‌توجهی مسئولان، در حال نابودی است و دیگر روش‌های سنتی برای ساخت این سفالینه‌ها کاربرد ندارند؛ بنابراین، برای احیای این هنر ارزشمند تلاش و توجهی شایسته لازم است.

منابع

- پایگاه فرهنگی و اطلاع‌رسانی گناباد نور، (۱۳۸۸)، «هنرهای سنتی»، www.gonabadnoor.com
- راسخون، (۱۳۸۷)، «ایرانیان اولین سفالگران تاریخ»، www.rasekhoon.net
- زمانی، عباس، (۱۳۵۱)، «هنر سفال‌سازی در مند گناباد»، ماهنامه هنر و مردم، ش ۱۱۹ و ۱۲۰.
- شیخی، علیرضا و محمدتقی آشوری، (۱۳۸۷)، «تبیین ویژگی‌های فنی و هنری سرامیک روستای مند شهرستان گناباد»، فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره، ش ۸ و ۹.
- کوهزاد، نازنین، (۱۳۸۹)، «تقدس نقش سرو در هنر ایران»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی نقش‌مایه، س ۳، ش ۵.
- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۵۷)، سفال ایرانی: بررسی سفالینه‌های ایرانی مجموعه نخست‌وزیری، انتشارات مخصوص نخست‌وزیری، تهران.
- لباف خانیکی، رجبعلی، (۱۳۸۳)، «سفال مند گناباد، نقش زندگی»، ماهنامه بین‌المللی میراث فرهنگی و گردشگری، س ۱، ش ۲.
- بی‌نا (۱۳۸۳)، گناباد خاستگاه حماسه‌های پنهان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- لباف خانیکی، مجید، (۱۳۷۵)، «پژوهشی در سفال گناباد»، زیر نظر مدیریت میراث فرهنگی استان خراسان، گناباد.
- محجوبی، فاطمه، (۱۳۹۱ الف)، «سفال و سرامیک مند» (مصاحبه با حسن ترابی)، (۱۳۹۱ / ۱۱ / ۱۹).
- بی‌نا، (۱۳۹۱ ب)، «سفال مند» (مصاحبه با هادی توسلی)، (۱۳۹۱ / ۱۱ / ۱۹).
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۶۹)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، سروش، تهران.
- <http://gonabadnews.com>
- <http://nashriyehmend.blogfa.com>